

تاریخ آفریقای جنوبی

نوشته

ایرس برگر

ترجمه

دکتر حسین حمیدی نیا



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۱

Berger, Iris

برگر، ایریس، ۱۹۴۱ - م.

سرشناسه:

تاریخ آفریقای جنوبی / نوشته ایریس برگر: ترجمه حسین حمیدی نیا

عنوان و نام پدیدآور:

تهران: اطلاعات، ۱۳۹۱

مشخصات نشر:

۳۴۰ ص.: مصور

مشخصات ظاهری:

978-964-423-878-9

شابک:

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

South Africa in world history: عنوان اصلی:

یادداشت:

کتابنامه

یادداشت:

آفریقای جنوبی - تاریخ

موضوع:

حمیدی نیا، حسین، ۱۳۲۷ - ، مترجم

شناسه افزوده:

مؤسسه اطلاعات

شناسه افزوده:

۱۳۹۱ ت ۲۴ ب ۴ / ۱۷۸۷ DT

رده بندی کتب:

۱۶۸

رده بندی دیویی:

۲۷۸۶۲۷۰

شماره کتابشناسی ملی:



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۳۹۹۵۳۱۱

تلفن دفتر توزیع و فروش: ۲۹۹۹۲۲۲۲

تلفن: ۲۹۹۹۲۳۵۵

فروشگاه مرکزی: تهران، بزرگراه هفتم، روبروی ایستگاه مترو ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۲۳۵۵

فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۲۲

تاریخ آفریقای جنوبی

ترجمه دکتر حسین حمیدی نیا

نویسنده ایریس برگر

مفتاحه: رحیم رفیعی

حروف نگار: معصومه سلیمانی

براستار: افسانه فارونی

حروف نگاری: چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات

طراح جلد: رضا کنجی

شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۱

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

ISBN: 978-964-423-878-9

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۸۷۸-۹

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

۷	مقدمه مترجم.....
۱۳	مقدمه ویراستار.....
۱۷	پیشگفتار.....
۲۱	فصل نخست - نیاکان.....
۵۷	فصل دوم - پرچینی از درختان بادام تلخ: استعمار، بندگی و بردگی.....
۸۷	فصل سوم - سرحداتی جدید.....
۱۳۳	فصل چهارم - کشف معادن الماس و طلا، جنگ و اتحاد.....
۱۶۹	فصل پنجم - جهانهای جدا از هم: جدایی نژادی جدید.....
۲۱۳	فصل ششم - منازعه میان ملی گرایی ها: ظهور آپار تابد.....
۲۴۳	فصل هفتم - راه دشوار آزادی.....
۲۸۳	فصل هشتم - برقراری دموکراسی و ناخشنودی های پس از آن.....
۳۱۱	گاه شمار تاریخی.....

۳۱۵..... پی‌نوشت‌ها

۳۲۹..... منابعی برای مطالعه بیشتر

www.ketab.ir

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا
«حافظ»

مقدمه مترجم

آفریقای جنوبی سرزمینی با تاریخ بسیار کهن است که آثار آن را می توان در نقاشی های برجای مانده بر روی دیوار غارها مشاهده نمود. با این حال، اگر آغاز تاریخ جدید آفریقای جنوبی را با ورود مهاجران اروپایی به آن سرزمین در سال ۱۶۵۲ میلادی مصادف بدانیم و «یان فان ریبک» نماینده تام الاختیار شرکت هند شرقی هلند را بنیانگذار پایه های آفریقای جنوبی به عنوان یک کشور در نظر بگیریم، بی تردید تاریخ معاصر آن کشور در قرن بیستم و حضور آفریقای جنوبی به عنوان یک کشور یکپارچه در نقشه سیاسی جهان، با نام «نلسون ماندلا» معروف به «مادیبا» گره خورده است. آفریقای جنوبی دموکراتیک که امروزه یکی از بیست کشور ثروتمند جهان به شمار می رود، حیات و علت وجودی خود را مدیون مدارا و تساهل ماندلا می داند و از این نظر، سرزمین و مردم آفریقای جنوبی باید به خود ببالند که چنین آزادمردی را در دامن خود پرورده و او را به آفریقا و جهان عرضه داشته اند. آنچه ماندلا را از سایر رهبران انقلابی هم عصر او مجزا کرده و جایگاهی

برجسته بخشیده است، چیزی نبود جز بزرگ‌منشی و مدارا و تساهل وی که او را تبدیل به شخصیتی جهانی نمود.

هنگامی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ مذاکرات میان گروه‌های مختلف جهت برقراری یک نظام دموکراتیک در آفریقای جنوبی در جریان بود، برخی ناظران و حتی خود ماندلا در خصوص فروپاشی و تجزیه آن کشور و با غرق شدن آن در یک جنگ داخلی خونین همانند آنچه در یوگسلاوی پیشین رخ داد، ابراز نگرانی می‌کردند. در آن زمان تصور غالب چنین بود که در جامعه‌ای که بر اثر اعمال سیاست‌های جدایی‌نژادی و تخصیص توأم با تبعیض همه امکانات در طول سه قرن به شدت پاره پاره و قطبی شده بود، برقراری یک نظام حکومتی یکپارچه و کشوری متحد در زمینه‌ای چنین از هم گسیخته، امری اگر نه محال ولی بسیار مشکل به نظر می‌رسید. تفاوت شدید در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان جوامع سفید و سیاه در آفریقای جنوبی و جداسازی در همه عرصه‌ها موجب حداقل تعامل میان دو گروه انسانی شده بود. علاوه بر این سیاست‌های سرکوبگرانه دولت آپارتاید که تلفات و خسارات سنگینی را به سیاهپوستان وارد کرده بود، بر وخامت این وضع افزوده بود؛ لذا جامعه آفریقای جنوبی جراحی عمیقی را در پیکر خود حس می‌کرد که ترمیم چنین زخمی نیازمند سیاستمداران کاردان و با تدبیری بود که به دور از قلیان احساسات و بازتولید کینه‌توزی و دشمنی در جامعه از هم گسیخته آفریقای جنوبی به تدبیر امور پرداخته و با اجرای یک فرایند ملت‌سازی، جامعه‌ای یکپارچه و متحد در عین تکرر و چندگونگی قومی، نژادی و زبانی پدید آورند. بسیاری از سفیدپوستان که مالک زمین‌ها و صاحب سرمایه بودند، با تصور فروپاشی جامعه و از ترس انتقام جامعه تحت ظلم و ستم سیاه، آماده مهاجرت و انتقال سرمایه‌های خود به خارج از کشور بودند.

نیروهای متخصص و تحصیل کرده نیز در چنین وضعی به سر می بردند. در چنین شرایط بغرنج و پیچیده‌ای، نلسون ماندلا با نفس سلیم و قلبی بزرگ جامعه آفریقای جنوبی را با حداقل هزینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به سوی دموکراسی و همزیستی مسالمت آمیز هدایت کرد.

ظهور رهبری خردمند و عبور موفقیت آمیز از مرحله گذار، نشانه بلوغ فکری جامعه آفریقای جنوبی پس از قرن‌ها درگیری، منازعه، تبعیض، بی عدالتی و سرکوب بود. در این میان نقش نخبگان سیاهپوست و غیرسفیدپوست، تأثیرگذارتر بود زیرا جامعه سیاهپوست سه قرن متوالی در یک نظام ظالمانه از بخش اعظم حقوق و امتیازات خود محروم شده و ظرفیت گرایش به خشونت در میان آنها بسیار بالا بود. با در نظر گرفتن شرایط فوق، ارزش تساهل نلسون ماندلا و عبور مسالمت آمیز به یک جامعه متکثر دموکراتیک بیش از پیش آشکار می گردد. در این میان سخنان اسقف «دسموند توتو» از مبارزان دوران آپارتاید و رئیس کمیسیون حقیقت و آشتی در خصوص مراحل انتقال مسالمت آمیز از آپارتاید به دموکراسی و مسائل مطرح در آن دوران، بهترین گواه موفقیت جامعه آفریقای جنوبی است:

«... پس از سقوط رژیم آپارتاید، برخی از مردم آفریقای جنوبی خواهان برپایی نوعی دادگاه نورنبرگ بودند، به ویژه برای مرتکبین آن شقاوت‌های که برای حفظ و استمرار نظام وحشیانه آپارتاید انجام شده بود. در آن زمان بسیاری توقع داشتند که مقصرین آن جرایم به حداکثر مجازات محکوم شوند؛ اما از این جهت ما بسیار خوش اقبال بودیم که نورنبرگ هرگز برای ما مورد توجه جدی قرار نگرفت.... در مورد نورنبرگ مدعی‌العموم‌ها و قاضی‌های ما می توانستند پس از پایان محاکمه، چمدانهای خود را ببندند و آلمان را به مقصد کشورهای خود ترک کنند. در حالی که ما باید در سرزمین مادری مشترک خود، خانه‌هایمان

را بسازیم و بیاموزیم که چگونه بایکدیگر کنار بیاییم. چنین محاکمه‌هایی اگر به راه می افتاد، احتمالاً برای همیشه ادامه می یافت و زخمهای عمیقی از خود به جای می گذاشت.

... بنابراین، مایه سعادت بود که کشور ما تصمیم به پیمودن راه کمیسیون آشتی و حقیقت یابی را گرفت و در مقابل حقیقت، عفو عمومی را پذیرفت... هنگامی که جوامع بشری درگیر منازعه و اختلاف می شوند راه حل «چشم در برابر چشم» هرگز نمی تواند به نتیجه برسد. اقدامهای تلافی جویانه در چنین اوضاعی به ادامه تلافی جویی های دیگر می انجامد.... آن نوع از عدالتی که آفریقای جنوبی به اجرا می گذارد و من آن را «عدالت ترمیمی» می نامم برخلاف اقدامات تلافی جویانه است و در درجه نخست بر مجازات استوار نبوده و به طور بنیادی خصلت تنبیهی ندارد، بلکه بر التیام بخشی متمرکز است. ... عدالت ترمیمی امیدوارکننده است و بر این باور استوار است که حتی بدترین خطاکار و جانی هم می تواند به انسان بهتری تبدیل شود (بخشی، ۱۳۸۶).

این سخنان پرمغز اسقف «دسموند توتو» سراسقف کیپ تاون تداعی گر این بیت از حافظ شیرین سخن است که می فرماید:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد

نهاد دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

کتابی که با عنوان «تاریخ آفریقای جنوبی» توفیق ترجمه آن را یافتم، بخشی از مجموعه تاریخ «جدید» جهان است که از سوی دانشگاه آکسفورد انتشار یافته است. سلسله کتابهای تاریخ جهان مجموعه ای ابتکاری است که تاریخ جهان را از منظری متفاوت از آنچه تاکنون رایج بوده به خوانندگان و علاقه مندان عرضه می کند. نویسنده کتاب - خانم ایریس برگر - استاد کرسی تاریخ، مطالعات آفریقایی و زنان در دانشگاه آلبانی ایالت نیویورک

آمریکاست. وی با قلمی شیوا و روان روایتی کوتاه و دلنشین از تاریخ سرزمینی را ارائه می‌کند که یکی از تأثیرگذارترین جنبش‌های اجتماعی و سیاسی قرن بیستم را در دامن خود پرورش داده است. نویسنده در چارچوب دیدگاه جدید تاریخ‌نگاری به ارائه یک بررسی کلی از تاریخ آفریقای جنوبی پرداخته است که تاریخ اجتماعی و نقش زنان در نوشته شدن آن تاریخ را شامل می‌گردد. برگرانش خود را از دوران ماقبل تاریخ آغاز کرده، آن را به ورود هلندی‌ها پیوند زده و با بیان حداثی چون برده‌داری، تسلط استعمار بریتانیا، ناسیونالیسم آفریقایی و آفریکانر به تحلیل حوادث قرن بیستم از جمله شکل‌گیری مبارزات سازماندهی شده سیاه‌پوستان، استقرار نظام آپارتاید، قیام سوتو و استقرار نظام دموکراتیک اشاره نموده است. وی در کتاب خود علاوه بر نقاط قوت جامعه آفریقای جنوبی چالش‌های فراوانی آن کشور از جمله چگونگی مصالحه و زندگی دو جامعه سیاه و سفید در کنار یکدیگر را نیز مدنظر قرار داده است.

در پایان خاطرنشان می‌گردد، این کتاب در ادامه دو اثر پیشین این جانب در مورد آفریقای جنوبی با عنوانهای «جغرافیای آفریقای جنوبی» و «فرهنگها و اقوام در سرزمین رنگین کمان» که اولی تألیف و دومی ترجمه است، سومین اثر و کامل‌کننده مجموعه مربوط به آفریقای جنوبی می‌باشد که در واقع حاصل مأموریت دیپلماتیک نگارنده در آن کشور بوده است. به هر حال آفریقای جنوبی به عنوان نیرومندترین کشور قاره آفریقا از جنبه‌های مختلف نیازمند شناخت بهتر و عمیق‌تری از سوی جامعه ایران است. مجموعه سه جلدی فوق، گامی در جهت شناساندن این کشور از جنبه‌های مختلف بوده و امید است که مورد قبول علاقه‌مندان و خوانندگان عزیز واقع گردد.

در اینجا لازم می‌دانم از همه کسانی که به نحوی در پدید آمدن این اثر نقش داشته‌اند، سپاسگزاری کنم؛ بویژه از کارکنان انتشارات مؤسسه

اطلاعات که کار آماده‌سازی و چاپ کتاب «تاریخ آفریقای جنوبی» را انجام دادند.

سخن پایانی را نیز به بیتی از حافظ شیرازی اختصاص داده‌ام که در واقع بازنمایی تاریخ معاصر آفریقای جنوبی و مبارزات ملت آن به منظور کسب آزادی و رهایی از آپارتاید است:
دور فلکی یکسره بر منهج عدل است

خوش باش که ظالم نبُرد راه به منزل

حسین حمیدی نیا

۴ مهرماه ۱۳۹۰ خورشیدی

مقدمه ویراستار

این کتاب بخشی از مجموعه تاریخ جهان چاپ دانشگاه آکسفورد است. این اثر مجموعه‌ای ابتکاری و نوگرایانه است که تاریخ به روز، زنده و اثربخش جهان و مردم ساکن در آن را به خوانندگان عرضه می‌کند. این مجموعه همچنین یک دگرگونی مهم از تاریخ‌نگاری سنتی به جدید را بازنمایی می‌نماید. تنها چند سال پیش بود که تاریخ جهان برای تاریخ اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا دانسته می‌شد و سهم اندکی به انتقال اطلاعات مربوط به سایر نقاط جهان اختصاص می‌یافت. برخی از نگرشهای خاص نیز در تاریخ‌نگاری سنتی، به تاریخ همه مناطق جهان به جز اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا اشاره می‌کردند. خوانندگان و مخاطبان تاریخهای سنتی جهان نیز چنین می‌پنداشتند که جهان پر از مردمان شگفت‌انگیزی است که دارای آداب و رسوم عجیب و غریب هستند و به زبانهای سخت و مشکل تکلم می‌کنند. نوع دیگری از تاریخ‌نگاری سنتی، تاریخ مناطق مختلف جهان و مردمان ساکن در آنجا را با تمرکز و اولویت بخشیدن به دستاوردهای تمدنهای

بزرگ، توصیف می‌کرد. در این نوع از تاریخ‌نگاری، مخاطبان و خوانندگان اطلاعات بسیاری در خصوص ساختمانها، ادیان ذی‌نفوذ در جهان و رهبران قدرتمند می‌آموختند، اما سهم اندکی به مردم عادی، اقتصاد عمومی و الگوهای اجتماعی اختصاص داده می‌شد. به بیان دیگر تعامل میان مردمان جهان تنها از یک دیدگاه مورد توجه قرار می‌گرفت.

این مجموعه، از دیدگاه کاملاً متفاوتی به تاریخ جهان نگریسته است. نخست، اینکه مجموعه‌ای کامل بوده و همه کشورها، مناطق جهان و تجربیات بشری حتی مردمانی که معمولاً بدون تاریخ، تصور می‌شوند و بسیار دورتر از مراکز تمدنی زندگی می‌کنند را پوشش می‌دهد. بنابراین مورخان جدید تاریخ جهانی علاقه بسیاری به تاریخ همه نوع بشر دارند و در این راه حتی میلیون‌ها سال به عقب باز می‌گردند، یعنی زمانی که خطی برای ثبت و نوشتن رویدادها و حوادث و به طور کلی سرگذشت انسانها نبوده است. تعداد اندکی نیز از مورخان جدید تاریخ جهانی، با راز این فراتر گذاشته و حوزه مطالعاتی خود را به کل عالم هستی گسترش می‌دهند و از آن با عنوان «تاریخ بزرگ» یاد می‌کنند. دیدگاهی که به صورت برجسته‌ای با تغییر مسیر تاریخ آغاز داستان جهان را به رویداد «انفجار بزرگ» نسبت می‌دهد. برخی نیز چارچوب جهانی جدید تاریخ جهان امروز را در این باره، به نگریستن به جهان از کره ماه تشبیه می‌کنند. ما نیز موافقیم. ولی ما همچنین خواهان یک نگاه از نزدیک، بررسی و بازسازی تجربیات مهم همه بشریت هستیم.

این بدان معنا نیست که همه رویدادها، در همه مکانها و همه زمانها، ارزش ثبت شدن و دانستن را دارند، بلکه هدف این است که با ملاحظه سرگذشت‌های جداگانه و درهم تنیده جامعه‌ها و فرهنگهای متفاوت، بیشترین اطلاعات و دانش از زندگی انسانهای گذشته کسب گردد. برقراری این پیوندها دیگر عنصر اساسی در تاریخ‌نگاری نوین از تاریخ جهان است. تاریخ‌نگاری

نوین بر تعامل و پیوند مردمان، مکانها و فرآیندها در همه حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، دینی و اجتماعی تأکید می‌کند. این تاریخ با مقایسه رویدادها، شباهتها را می‌یابد. تأکید بر مقایسه و تعامل برای توسعه چارچوبی که بتواند درک تاریخ را تعمیق و گسترش دهد بسیار اساسی است. خواه تمرکز و تأکید بر کشور یا منطقه ویژه یا کل جهان باشد.

پیدایش روش جدید در تاریخ‌نگاری تاریخ جهان به عنوان یک رشته دانشگاهی در زمان مناسب مطرح شده است. علاقه به تاریخ جهان در مدرسه‌ها و در میان عموم مردم بسیار وسیع است. با مطالعه و بررسی تاریخ جهان، ما به کشورهای دیگر مسافرت کرده و در میان سایر ملتها زندگی می‌کنیم. با مردم گوشه و کنار دنیا صحبت و کار کرده و در نتیجه رویدادهای جهانی، دچار دگرگونی می‌شویم. جنگ و صلح زندگی مردم سراسر جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، همان‌گونه وضعیت اقتصادی، زیست‌محیطی، ارتباطات، بهداشت و دارو چنین می‌کنند. تاریخ جدید جهان چاپ آکسفورد تاریخهای محلی را در متن جهانی به نمایش درمی‌آورد و تصویر بهتری از رویدادهای جهان از نگاه و دیدگاه مردم عادی ارائه می‌دهد. این ترکیب [مقیاسهای] محلی و جهانی ریشه اصلی تعریف تاریخ جدید جهان است. فهم مفهومی اوضاع و احوال محلی و جهانی در گذشته ما را قادر می‌سازد تا جهانی را که اکنون در آن به سر می‌بریم، بهتر بررسی کرده و پیچیدگی‌ها و روابط در هم تنیده در حال شدن در آینده را پیش‌بینی نماییم.

بونی، جی. امپس

آناند یانگ

پیشگفتار

در روز ششم ژوئن ۱۹۶۶، سناتور «رابرت کندی»، برادر رئیس جمهور فقید ایالات متحده آمریکا، نطقی در دانشگاه کیپ تاون ایراد کرد. او این سخنرانی را به دعوت اتحادیه ملی دانشجویان آفریقایی جنوبی انجام داد. وی بیانات خود را مستقیماً با شرح خلاصه‌ای از تاریخ آفریقایی جنوبی آغاز نمود: «من به خاطر علاقه و محبت عمیق خود به سرزمینی که هلندی‌ها در میانه قرن هفدهم در آن ساکن شدند، سپس انگلیسی‌ها کنترل آن را به دست گرفتند و در نهایت به استقلال رسید، به اینجا آمده‌ام. سرزمینی که ساکنان بومی آن ابتدا مغلوب شدند، ولی رابطه و پیوند میان آنها و مهاجران غالب به عنوان یک مشکل تا به امروز باقی مانده است. سرزمینی که هویت خود را بر مبنای سرحدات مورد اختلاف و دشمنی تعریف کرد، سرزمینی که منابع سرشار طبیعی را از طریق کاربرد فعال فناوری، رام کرد، سرزمینی که در گذشته واردکننده برده بود و امروزه به منظور پاک کردن آثار آن اسارتها و بردگی‌ها باید به مبارزه‌ای پیگیر و مستمر اقدام کند». نتیجه‌گیری او در انتهای سخنرانی،

بسیار غیرمنتظره بود. «البته اشاره من، به ایالات متحده آمریکا بود.»

در برقراری پیوند مشترک میان دو کشور، کندی از جوانان می‌خواست که علیه بی‌عدالتی و اقدامات ضدانسانی در سراسر جهان قیام کنند؛ اما گفته‌های او همچنین از طریق قرارداد آفریقای جنوبی در میان کشورهای که از سوی اروپائیان در جستجوی کسب قدرت و ثروت از اواخر قرن پانزدهم به بعد مورد بهره‌کشی قرار گرفته بودند، موجب گردید آن کشور در متن وسیع‌تری از تاریخ جهان قرار گیرد. بر طبق گفته کندی، این فتوحات میراثی از ظلم، بردگی، و نابرابری نژادی به همراه بهره‌کشی بیش از حد از منابع طبیعی و در عین حال فشاری بسیار پیشرفته باقی گذاشت. همانند آنچه در کشورهای چون کانادا، اسرائیل، نیوزیلند و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین رخ داد، عده معتابھی از مهاجران اروپایی در آفریقای جنوبی سکنی گزیدند و زمینهای وسیع به همراه منابع با ارزش طبیعی را تصرف کردند. در آفریقا، این روایت خلع مالکیت از بومیان همانند رویدادهایی است که در تاریخ رودزیای جنوبی (زیمبابوه)، کنیا و الجزایر اتفاق افتاده است. کندی همچنین به مبارزه برای قلع و قمع و نابودی آخرین آثار بر جای مانده از بردگی اشاره کرد. اگرچه جنگ علیه آپارتاید در سال ۱۹۶۶ هنوز در جریان بود، آفریقای جنوبی برخلاف ایالات متحده آمریکا، آزادی خود را نه از طریق یک جنگ تمام عیار ضداستعماری که از راه اعمال فشارهای سیاسی، دیپلماتیک و نظامی توان به دست آورد.

برخلاف عنوان آن، این کتاب بسیار خلاصه‌تر از آن است که بتوان به صورت ژرفی پیوند و مقایسه میان تاریخ آفریقای جنوبی و بقیه جهان را از میان سطور آن کشف نمود. با این حال من تلاش کرده‌ام پیوندهای نزدیک و مشابه بین سیاهان آفریقای جنوبی و آمریکائیان آفریقایی‌تبار را به صورت برجسته و شفاف به خوانندگان ارائه دهم. با الهام از پژوهشهای پیش‌تاز انجام

شده در تاریخ اجتماعی، من همچنین در پی یافتن این واقعیت هستم که شهروندان آفریقای جنوبی با زمینه‌های متفاوت طبقاتی، قومی و نژادی در سراسر گذشته کشور هم با یکدیگر برخورد و هم همکاری کرده‌اند. برخلاف بسیاری از آمیختگی‌های تاریخی، من در پی برجسته کردن تجربیات زنان در این روایت بوده‌ام. در مقایسه با اثر حاضر، کتابها و تحقیقات بزرگ‌تری لازم است تا حوزه‌هایی چون تاریخ زیست‌محیطی و تاریخ بهداشت و درمان را نیز شامل گردد. با در نظر گرفتن اینکه میراث این کشور مشحون از مظالم نژادی بوده، اکثر مورخان آفریقای جنوبی هنوز از میان شهروندان سفیدپوست هستند، اما می‌توان در آینده به زمانی امیدوار بود که نسل جدید محققان سیاه‌پوست پس از آبارتاید، رهبری بازتعریف فهم ما از تاریخ این کشور را به دست بگیرند.